

درآمدی بر نظریه جهانی شدن (Globalization)

محمدباقر افضلی - مشاور مدیریت



در سده‌های ۱۵ و ۱۶ میلادی و روزگاران پس از آن نوزائی و رنسانس هر روز ثمر و محصول تازه ای در پروسه شکوفائی و رشد خود عرضه نمود. پس از رویداد دگرگون کننده شتابان مسیر تاریخ موسوم به «انقلاب صنعتی» و آغاز تولید انبوه با ابزارها و ماشین آلات صنعتی، عرضه کالاها به آرامی بر نیاز بازارهای محلی (داخلی) فزونی یافت. جستجوی بازارهای مصرف خارج از مرزها و محدوده‌های جغرافیائی تعیین شده در نگاه و برنامه صاحبان صنعت و سرمایه به عنوان هدفی گریز ناپذیر جای گرفت، همزمان هم اندیشه‌های تازه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، گسترش تبادل کالا و خدمات و پدیده‌ای بنام تجارت جهانی در دیدگاه و نظر اقتصاددانان و اندیشمندان دانش و فن و نحله‌های فکری اقتصادی به عنوان تئوری‌ها و مکتب‌های اقتصادی و اجتماعی نمایان گردید. نظریه و رویکرد «جهانی شدن» در سیر شکوفائی صنعت و تجارت و بسط فرهنگ و دانش به آرامی پدیدار گشت. در ادامه این نوشتار مقوله جهانی شدن در وجه عام و پس از آن وزن و جایگاه جهانی شدن در کشورمان بررسی می‌شود. در انتها رویکردهای درست، اصولی و اثربخش به کوتاهی در معرفی می‌شوند. بیان این مهم لازم است که آنچه در این فرصت و ظرفیت این مقاله در معرض داوری شما قرار داده می‌شود می‌تواند مقدمه‌ای بر پژوهش و آسیب شناسی و ارزیابی‌های جامع تر باشد. امید که مورد اقبال صنعت نساجی ایران به ویژه خانواده مجله نساجی امروز و همه عوامل تولید و نشر و خوانندگان عزیز قرار گیرد.

انسان در ذات و ماهیت وجودی خود، موجودی اجتماعی است، انسان تنها و دور از جمع توان ماندگاری و ادامه زندگی را ندارد تا عصر پیشاروشنگری و در جامعه‌های فئودالی یا به عبارت مرسوم در مورد مغرب زمین قرون وسطی و پیش ترها، ارتباطات بیشتر در محدوده مرزها و گستره سکونت و زیستگاه قبیله‌ها و مردمانی بود که مبادله پایاپای کالا

مبتنی بر اقتصاد کشاورزی و صنایع دستی موضوع کنش‌ها و واکنش‌های آنها بود. وجود استثنائاتی مانند تمدن‌های پیشرفته با دیرینه‌ای به قدمت تاریخ مانند تمدن‌های ایران، روم و یونان که آنان هم در کلیت خود برخوردار از تولید و صنعت ابتدائی و اقتصاد شبانی و کشاورزی بودند را از نظر دور نمی‌داریم.

جهانی شدن چيست؟ رشد توقف ناپذیر ابزار تولیدی، تکنولوژی، دانش و نظریه‌ها و اندیشه‌های راهبر در همه عرصه‌های دانش و فن به‌ویژه طی دهه‌های اخیر، ظهور سخت افزارها و نرم افزارهای ارتباطی و ابزار فرا تکنولوژیک و برتر چنان دگرگونی در همه عرصه‌های جامعه‌های مدرن و توسعه یافته پدید آورد و فاصله‌ها را در بازه زمانی ثانیه‌ها از میان برداشت که نوید بخش همگرایی و هم پیوند همه گستره جهان به نام «دهکده جهانی» گردید.

اینترنت به عنوان میوه گوارای این دهکده و شاخ و برگ‌های فرای تصورش تحت عنوان

شبکه‌های اجتماعی، مدل‌های محاسباتی، پردازشگر و تحلیل‌گر، بسط دهنده اطلاعات چنان تلنگری به کاربران عرصه سرمایه و تولید و بازارهای مالی و خدماتی زد که به ناچار و به ضرورت به احترام کلاه از سر برداشتند و به مقوله جهانی شدن برای ماندگاری و ادامه فعالیت مهر تائید زدند.

در این مختصر مقوله جهانی شدن تنها در وجوه تولید و سرمایه و تجارت عمده می‌شود و دیگر شاخص‌های کلان جهانی شدن در حوزه‌های دانش، فرهنگ، هنر و ادب می‌باید موضوع بررسی، کنکاش، پژوهش و ارزیابی در قالب نوشته‌ها، سمینارها و کنفرانس‌ها باشد.

جهانی شدن بازارها و مبادلات مالی و تجاری دگرگون ساخته است این تاثیر بر سطح و ساختار اشتغال، ترکیب منابع انسانی، میزان دستمزد، تفاوت در سطح دستمزدها، کارائی (Efficiency)، بهره‌وری، رفاه و آگاهی و دگرگونی بنیادی در نگرش و انگیزش مانند اعتماد، باور و زایش روحیه و رویکرد به سوی خرد (Wise) و آگاهی (ATTITUDE) قابل تأمل و بررسی است.



مدد سازمان‌ها، نهادهای رسمی و انجمن‌ها و NGOها آرام آرام می‌رود تاجای خود را در فرهنگ واژگان نگرش‌ها و نحله‌های سیاسی به‌درستی باز نماید. تدوین و تصویب «اعلامیه جهانی حقوق بشر» سند برجسته‌ای بر این رویکردی تازه در جهانی است که می‌رود دردها و شادی‌هایش را در سفره این هم‌افزایی گسترده و پهن نماید. اهم سرفصل‌های و اصول نفی‌کننده جنگ، ترور و خشونت در دوران معاصر به کوتاهی و تیتیر وار به شرح زیر است:

۱- انسان محوری (Humanism) یا انسان‌گرایی و مکتب اصالت انسان
۲- آزادی خواهی (Liberalism) یا نگاه آزاد منشانه (Freedom) در حوزه تجارت و اقتصاد

۳- سکولاریسم (Secularism)

۴- پلورالیسم (Pluralism)

۵- تجارت آزاد (Free Trade)

۶- سرمایه‌داری (Capitalism)

یکی از پایه‌های توجیهی جهانی شدن یا جهان‌گرایی نظریه یا مکتب اومانیسم است. اومانیسم یا انسان‌گرایی خالق نگرش‌های تازه در نحله‌ها و رویکردهای تئوریک در دوران مدرنیته و پسا مدرنیته (Post Modernism) گردیده است.

اهم شالوده‌های نظری اومانیسم به‌شرح زیر است:

* انسان محوری به مفهوم صیانت از خواسته‌ها و حقوق انسان در روابط اجتماعی

* توفیق یافتن عقل و تدبیر از مسیر بسط اندیشه و نقد

* اخلاق مداری (Moralistic/Ethical)

* پذیرش ارزش‌های انسانی، باورها و نگرش‌های فلسفی و اجتماعی با حفظ نقد و ارزشیابی آنها

هژمونی انسان معاصر در آفرینش و حضور در متن اندیشه و دانش در دامان خود واضحان اندیشه و نظریه پردازانی همچون مونتسکیو، ولتر، روسو، جان لاک، هگل، فروید، مکتب فرانکفورت، دیدرو، هیوم و نامدارانی دیگر را پدید آورده که موجد بسط دانش، ادب، فرهنگ و اقتصاد گردیده‌اند. وجه بارز و رویکرد اصلی مکتب‌ها و بنیان‌های فکری پس از رنسانس دولت را مبنای از هر گونه ارزش و احترام ذاتی و دخالت در امور اقتصاد، تجارت و تولید تعریف می‌نمایند.

برای جهانی شدن باید جهانی بیاندیشیم و جهانی برنامهریزی کنیم. هدف را بر مبنای تحقیق و پژوهش، امکان‌سنجی، عارضه‌یابی با استفاده از همه مدل‌ها و راهکاری نوین علمی و فنی و بر پایه آزمون و خطا انتخاب نمائیم. نقد و بررسی و بالا بردن آستانه تحمل را به باوری ژرف و به‌عنوان ارزشی ماندگار در ضمیر و باورمان بنشانیم. بنگریم که در کجای معادلات جهانی در عرصه صنعت و تجارت قرار گرفته‌ایم. فروتن باشیم و از دیگران بیاموزیم. شعار را وا نهیم و خرد جمعی و ارتقا توانایی‌ها در عرصه منابع انسانی و پرورش نیروهای خلاق در سر لوحه برنامه و کار قرار دهیم. مدرن‌ترین ماشین‌آلات و ابزار تولید، مواد اولیه و همه نیازهای تولیدی با انتخاب اصولی و علمی و فنی در دسترس است، آنچه که می‌تواند ورود ما، ماندگاری ما، اعتبار و جهانی شدن ما را در کوران رقابت‌های بی‌رحم و عنان‌گسیخته تضمین نماید؛ مهارت، خلاقیت، نواندیشی، نگاه سیستم‌نگر، درک تغییر آفرین و خلاق در قامت بلند و تعیین‌کننده نیروی انسانی است. در این راه هر اقدام و عمل چاره‌ساز، هزینه‌کردن نیست، سرمایه‌گذاری دارای اثر و بازده و آفریننده ارزش‌های اساسی در تولید و تجارت است. سرمایه‌گذاری ضروری و اجتناب‌ناپذیر برای تضمین ارتقا بهره‌روزی، سودآوری

دگرگونی، اصلاح، ارتقاء کیفی و هماهنگی در سازمان (Organization) و ساختار (structure) کار و تولید را در پی خواهد داشت.

در روند رشد متوازن و توسعه پایدار و گریزناپذیر برای هماهنگی و تدوین قوانین، مقاله‌نامه‌ها، عهدنامه‌ها و بیانیه‌ها برای اتخاذ رویه‌های یکسان و اثر بخش و همفکری و تبادل نظر پیوسته سازمان‌ها و نهادهای راهبر پژوهشی، مطالعاتی، هدایتگر، ناظر و پشتیبانی‌کننده پدیدار گردید.

سازمان ملل متحد برآمد و محور اساسی اقدامات جهانی در وجه فراگیر و کلان ایفای نقش می‌نماید و به‌نوعی هدایت‌دهیانه انتظام جهان را بر عهده دارد. سازمان‌ها، موسسه‌ها و نهادهای تخصصی زیر مجموعه این نهاد فراگیر و بعضاً مستقل به‌صورت تخصصی راهبری موارد مشخص به‌عنوان اقدامی درخور و ضروری یکی بعد از دیگری به‌وجود آمدند. به‌عنوان نمونه‌های حائز اهمیت و مرتبط با صنعت، تجارت و گردش مالی به سازمان تجارت جهانی

WTO (World Trade Organization) سازمان جهانی پول، بانک جهانی (World Bank) که از دو موسسه توسعه‌ای تشکیل شده است. بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (IBRD) و کانون بین‌المللی توسعه (IDA)، صندوق بین‌المللی پول (IMF)، بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (IBRD)، سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (UNIDO)، سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (FAO) (Food and Agriculture)، کمیته مشاوره صنعتی و تجاری (BIAC) و ده‌ها سازمان جهانی، بین‌المللی، قاره‌ای و منطقه‌ای دیگر به‌عنوان یک ضرورت برای پاسخ به دفاع از منافع ملی و بین‌المللی، همفکری و تبادل اطلاعات و مشاوره انجام وظیفه می‌نمایند.

به درستی و فروتنانه و با همتی مبتنی بر باور بنگریم و بپذیریم و باور کنیم در دورانی به سر می‌بریم که کشف‌ها، اختراع‌ها، نوآوری‌ها، فرضیه‌ها و همه دستاوردهای انسان اندیش، تحول‌خواه و توسعه‌نگر به ویژه در حوزه دانش و تکنولوژی و مدیریت خلاق و پویا ما را در گذر از کارخانه‌های موسوم به صنعت دود کشی، دوره قدرت تفنگ و پول به دوران اطلاعات رهنمون گشته است از زیستن در این دهکده جهانی نیست.

در این دوران به لحاظ نظری پدیده جهانی شدن و جهانی بودن مفاهیم، تعریف‌ها کلید واژه‌هایی را در همه عرصه‌های تکنولوژی جهانی آفریده است که به باور من اینها رمز عبور و واژگان ورود و درود به همه انسان‌ها با هر رنگ و نژاد، جنس و باور و مرتبه اجتماعی است.

این مهم فروتنانه ما را بسمت درک پهنه‌تر و جایگاه ما در میان خانواده جهانی صنعت و معدن و تجارت یاری می‌رساند. روزی دانشمند بزرگ ایران زکریای، رازی الکل را کشف نمود، همه گیتی بر آن مهر تأیید زد و همین واژه را وارد فرهنگ علمی جهان نمود.

جهانی شدن یعنی پذیرفتن همه دستاوردهای درست و مثبت و کارساز برای تعالی و توسعه و غرور ملی. بیهوده است که ما در عرصه‌های دانش و فناوری نیرو و هزینه صرف نمائیم که پیش‌تر پدید آمده و جهانی شده است. هر کشف و ایده و اختراع و نظریه‌ای که پدیدار می‌گردد نام، شناسنامه، مخترع، اندیشمند و آفریننده‌ای دارد اما دیگر به او تعلق ندارد و «جهانی» شده است.

آنچه کشورها و قاره‌های گوناگون را پس از دوران روشنگری و تاکنون به همدیگر نزدیک نموده و یکپارچه می‌کند زایش واژه گالی تازه در مکاتب جامعه‌شناسی، اقتصادی و علوم سیاسی به نام «حقوق شهروندی» است پذیرش و تکمیل نمودن به حقوق برابر همه در برابر قانون آمل و آرزوی این مانیفست جهانی است. این مهم در سیر کند و بطئی تحول واگاهی یابی و بیداری ملل در سرزمین‌های دور مانده از رشد و توسعه سیاسی به



و ایجاد کنترل‌های اساسی بر گردش عملیات با هدایت داهیان (Leadership) است. با پذیرش و پایبندی به اصول استانداردهای تعیین شده از هدر رفتن منابع و مصارف جلوگیری شده و ضایعات عادی و غیر عادی فعلیتها به مرز استانداردهای صنعت نزدیک می‌گردد. تلاش کنیم همیشه در متن رویدادها باشیم بر آن باشیم تا درکی صحیح از مسئله رشد و توسعه داشته باشیم. به وزن و اعتبار دیگران با فروتنی احترام بگذاریم و فرهنگ نفی را نوعی فریب و ناتوانی در پذیرش کاستی‌ها بدانیم. فرایند جهانی شدن پدیده‌ای متوازن و پایدار است، ارتقاء تعامل و بسط میدان نگرش، هم‌راهی مبتنی بر باور و اعتماد، شناسایی توانائی‌ها و ضعف‌ها و کاستی‌ها، اولین گام‌های لازم و ضروری برای ماندگاری و به دست آوردن اعتبار در میدانی به وسعت همه جهان است. جهانی که از منظر شگرفی دوران و ده‌های اخیر انفجار اطلاعات نام گرفته است. به لحاظ اهمیت و ضرورت تعمق در موضوع و بر منظر تاکید آنگونه که در فوق بیان شد توجه نمائیم که دگرگونی برق‌آسا در ابزارهای اطلاعاتی، ارتباطی، ماهواره‌ها، دیجیتال‌سیم، رسانه‌ها و اینترنت که میوه شیرین و شاخه‌های پر بارش یعنی شبکه‌های اجتماعی فاصله‌های جغرافیایی را از میان برداشته است. عامل زمان که معیار سنجش آن سال و ماه بود به هزارم ثانیه‌ها سپرده شده است. این جهان چنین در هم تنیده و کوچک شده؛ به درستی واژه تازه‌ای به نام دهکده جهانی (World Village/Global Village) (بر واژگان فرهنگ اجتماعی افزوده است. بنگریم که در آغازین دامنه‌های صعود به قله هستیم. در این گذر رویکرد درست و شناخت جامع ما را در مرتبه‌ای بایسته‌ای که آرزوی آن را داریم و رویاهایش را در سر می‌پرورانیم در درون جامعه جهانی خواهد داد. شناختی مبتنی بر هوشمندی، تدبیر، ریشه‌یابی توانها و کاستی‌هایمان و یافتن درک درستی از این مقوله مهم که ما در کجای این دهکده قرار داریم و شأن و مرتبه ما در کدامین سوی این میدان و عرصه جهانی است؟

باید خود را بشناسیم، نقد کنیم هم در وجه توان‌ها و اعتبارها و داشته‌ها و ظرفیت‌های بالقوه و ثروت ملی مان هم به لحاظ موقعیت ژئوپولیتیک و پتانسیل‌ها و بالندگی تاریخ و فرهنگ این کهن بوم که قدمتش به دیرینه‌گی تاریخ است و از تاریخ هم پیرتر است. آگاهی، شناخت و عارضه‌یابی خویش رهنمون ما برای رسیدن به درک و تلقی درست، منطقی، علمی و واقع‌گرایانه از جهانی شدن می‌باشد. همواره هشدار می‌دهد که ما تا وزن و اعتبار و مرتبه خویش را در زمینه‌های گوناگون رصد نموده و هشیارانه با عزمی معنا دار در اندیشه کسب جایگاه و مرتبه‌ای بهتر و جذب کننده تر باشیم. ضروری است هماهنگ و هم‌جهت با تلاشها و مطالعات علمی و فنی بکوشیم منش و رویکرد خویش را در دفاع از صلح جهانی، نفی همه شکل‌های بروز جنگ، خشونت و ترور به و جدان‌های بیدار در پهنه گیتی معرفی نموده و بهانه را از سد کنندگان روند پیشرفت و بالندگی کشور و مدعیان دروغین صلح و حقوق بشر در همه شقوق فرهنگی و اقتصادی بگیریم. باید یکبار برای همیشه با همتی استوار کشور را زیر یوغ تحریم‌های بازدارنده رونق و شکوفائی اقتصاد، سرمایه‌گذاری خارجی و انسدادهای بانکی رها سازیم.

در این گذر احترام و مودت و آشتی ملی شادمانی در سازمان و ساختار تولید، در کار و بهره‌وری در مشارکت و خرد جمعی و استفاده از همه ارزش‌های ملی، فرهنگی، ادبی و هنری لازم و درمانگر است. با هم دوست باشیم، دوست بداریم تا دوست داشته شویم. منفی بافی و توهم توطئه را چون جامه پوسیده‌ای از تن و روانمان به دور افکنیم و باور کنیم که ما هم مردمانیم، باور کنیم ما هم می‌توانیم و همه چیز ممکن است. چگونه؟ آن سان که گفته شد باید مدرن و فروتن باشیم، جهانی‌بیاندیشیم و کرداری

فرازمند بر بنیان فرهنگ و سنت و باورهای دیرپای خود داشته باشیم. به فریاد بلندی همه‌گاه به خویش یادآوری نمائیم که حکیم دانای سرزمین مان فردوسی چنین گفت: «ز دانش بود جان و دل را فروغ»

نگر تا نگر دی بگرد دروغ»

راهنمای کردارمان این سخن نغز اوست:

«خرد بهتر از هر چه ایزد بداد

ستایش خرد را به از راه داد.»

صنعت نساجی ایران و جهانی شدن

این صنعت قدمتی به اندازه تاریخ کشورمان دارد. جهانی بوده و دارای ارزش و احترام در باور مردمان اقلیم‌های دورتر. صنعت مادر است و برخوردار از زمینه‌ها و ظرفیت‌های لازم برای عبور از بحران. پیشست سر نهادن رخوت و رکود، تکرار و نالیدن از زمین و زمان. باید با عزمی ملی و همفکری و اقدام مشترک متولیان صنعت، اندیشمندان، خبرگان، نهادهای تحقیقاتی، دانشگاه‌ها و همراهی معنادر و ماندگار دولت و دیگر قوا، بانک‌ها و نهادهای مالی، انجمن‌های صنفی مانند انجمن صنایع نساجی، جامعه متخصصین نساجی ایران، رسانه‌های مدیریتی و تخصصی، اتاق بازرگانی با نادائی قوی برای آغازی دیگر مبتنی بر اعتماد و باور به توانستن، مطالعه گسترده همراه پژوهش و تحقیق و چاره‌یابی برای شناخت ریشه‌ها و موانع و تهدیدها گام‌های درست و سنجیده بردارد فازهای عملیاتی باید مدل‌سازی و برنامه‌ریزی شود. در این اقدام ملی و ضروری باید از همه توان کارشناسی داخلی و جهانی استفاده شود.

صنعت نساجی، نمایشگاه بین‌المللی فرش را در تهران برگزار گردید. باید به گونه دیگری نگاه کنیم. آخرین نمایشگاه و نمایشگاه‌های دیگر را فرصتی برای یافتن اطلاعات، آگاهی، آموزش و محملی برای آموختن و عبرت و استفاده از توان و خلاقیت‌های نوین علمی و فنی ببینیم. به ارائه بیان‌ها و آمارهای شکننده دلخوش نباشیم. بیاندیشیم و چاره‌جویی کنیم که چرا واحدهای تولیدی کوچک و بزرگ و حتی نام آشنا در طی دهه‌های اخیر از حرکت باز ماندند. بنگریم که چرا مصرف کننده داخلی برند و نام و نشان خارجی را انتخاب اول خود می‌بیند؟ تامل نمائیم که چرا تولید کننده پوشاک هر گاه که بتواند محصول خود را با برندها و لوگوی خارجی روانه بازار مصرف می‌نماید؟ در این شرایط، ناامیدی و توپ را به زمین دیگران انداختن را رها نمائیم و درست فکر کنیم. ریشه‌های درد را بشناسیم و چاره کار را به صورت منطقی در برنامه و مسئولیت خویش بنشانیم.

ما باید توسعه بیابیم با پذیرش همه ساز و کارها و اجرای همه راه‌ها و ابتکارهایی که توسعه یافتگان صنعت و تجارت در جهان رفته‌اند. بگذار تنها یک مورد را برای دور شدن از تکرار در ذهن و اندیشه خود بررسی نمائیم. چگونه صنعت آلمان توانسته اقبال جهانشمولی را کسب نماید که خواستاران دانش فنی در همه جای این دهکده جهانی، یکی از مهترین گزینه‌هایشان فرآورده‌های صنعتی این کشور است؟ بنگرید به ژاپن و فرانسه و ... تلنگری به خود بزنیم که به کجا چنین شتابان رفته‌ایم و می‌رویم که ترکیه، کره جنوبی، چین و دیگرانی دیگر این گونه بازارهای نساجی و کفش و پوشاک ما را تسخیر و اشغال کرده‌اند؟ در این باب سخن و درد بسیار است و مجال اندک و در پایان این نوشتار که آغازی است برای همفکری و آشتی صاحب‌نظران صنعت و تجارت با مهر و لبخند از حکیم طوس باز هم مددی بگیریم:

«چو در طاس لغزاننده افتاده مور

رهاننده را چاره باید نه زور»